

**۵۶** مردی با چشمان حادثه‌ساز



محمد باقری، روزنامه نگار

استاد ارغنون روبه دانشجوی جوان کرد و پرسید:

– سهراب جان، این ویروس ناشناخته‌ای که در بدن چند جنازه از مردم شهری کشف کرده‌اید آیا تا به‌حال کسی را هم در آبادی‌مان مبتلا کرده؟ دانشجوی جوان با تأثر آه عمیقی کشید و گفت:

– متأسفانه بله استاد. یکی‌شان سهیلاخانم معلم جوانی که هنگام کالبدشکافی و تشریح جنازه‌های مرده‌های شهری به‌عنوان دستیار به دکتر صادقی و من کمک می‌کرد و دو صیادی که جنازه‌ها را از دریا بیرون کشیده بودند. متأسفانه خانم معلم هم که در درمانگاه قرنطینه‌اش کرده بودیم، ساعتی پیش فوت شده. یکی از صیادها هم حالش بحرانی است اما امید نجات صیاد دیگر هست.

استاد ارغنون با پریشان‌حالی و ماتم زده گفت:

–وای...وای...وای وفای فلفلک معصوم، چه دختری، آیه مهربانی یک فرشته بود.

چند لحظه‌ای در ماتم و سکوت گذشت آنگاه پهلوان برای اینکه فضای ماتمرا را تغییر دهد رو به ارغنون پیر گفت:

– راستی استاد شنیدید که سرنوشت رضی‌خان خرکچی چه شد؟ پس‌از چند هفته بالاخره رضی‌خان خرکچی تن به مراسم پایانی «شمرکشون» داد اما غائله پر سر و صدای این مرد که نخواهید هیچ، بلکه مصیبت‌بارتر هم شد.

استاد با تعجب پرسید: یعنی چه؟

پهلوان حیدر، جواب داد:

– شاید این مرد دغلکار را به‌خاطر داشته باشید عمری سوار بر الاغش می‌شد در کوچه‌های آبادی می‌گشت و کاسبی می‌کرد. مرد مهربان و سرزبیری که به قول مردم آزارش به مورچه هم نمی‌رسید تا اینکه مراسم شمرکشون پیش آمد.

امسال کدخدا و ریش‌سفیدهای آبادی به فکر افتادن چه کسی را برای پوشیدن لباس شمر انتخاب کنند که یک هفته با این شکل و قیافه در کوچه‌های آبادی گشت بزنند و سر هفته هم مراسم شمرکشان را در میدان کوچه مقابل «کتیبه» آبادی برگزار کنند.

اما هرچه گذشتند و به هرکس پیشنهاد کردند لباس شمر را بپوشد اما هیچ مردی حاضر نشد این نقش را به‌عهده بگیرد چون می‌ترسیدند به روال هر سال درگشت کوچه‌ها زن و مرد نفرینش کنند، بچه‌ها بدنبالش بدوند و بارانی از کوچه‌فرنگی گندیده و زباله بر سرش ببارد تا اینکه میرزا رضی خرکچی تن به خواسته ریش‌سفیدهای آبادی داد تا یک هفته در شکل و قیافه شمر در آبادی بگردد و سر هفته هم در مراسم شمرکشان حاضر شود.

خلاصه کنم استاد این مرد خوش اخلاق و آرام با‌گشت‌وگذار در آبادی چنان اخلاق و رفتارش عوض شد که اگر شمر ملعون هم زنده می‌شد نمی‌توانست جلودارش شود. شروع کرد به آزار و اذیت مردم.

در مراسم شمرکشان هم حاضر نشد، رخت و لباس شمر را از تن دریاورد و از اسب آذین بسته پیاده شود.

کم‌کم دسته‌ای از افراد شرور زیر بیرق‌اش در آمدند و شروع کردن به آزار و اذیت خانواده‌ها، مریدانش هرچه میرزا رضی دستور می‌داد بی‌چون و چرا اطاعت می‌کردند. این شمر دروغین با تکیه بر قدرت مریدان برای خودش قانون و مقرراتی وضع کرده بود و روزیه‌روز بر قدرتش اضافه می‌شد و دیگر کسی حتی چماق به دستان دهیار هم جرات مخالفت با میرزا رضی را نداشتند.

ارغنون پیر به فکر ماند و پرسید:

– این میرزا رضی چه سرنوشتی پیدا کرد؟

سهراب جواب داد: سرنوشت هولناکی یافت استاد. یک شب در تاریکی کوچه‌ای دو سیاهپوش از مردان مسلح قاضی که در کمین‌اش بودند، غافلگیرش کردند و با ضربه‌های خنجر او را کشتند.

استاد ارغنون زیر لب به زمزمه‌ای گفت: چه سرنوشتی!

### سرقت از مدل اینستاگرامی

### برای پرداخت بدهی

**گروه حوادث/** مرد جوان که با شکایت یک زن مبنی بر آزارو اذیت و سرقت طلاهای وی دستگیر شده بود در بازجویی‌ها مدعی شد انگیزه‌اش فقط سرقت بوده تا بدهی‌هایش را بپردازد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چندی قبل زن جوانی که از مدل‌های اینستاگرامی بود با شکایت به پلیس گفت: مدتی قبل در اینستاگرام با پسر جوانی آشنا شدم و بعد از مدتی اردشیر از من درخواست ازدواج کرد. روز حادثه او برای صحبت به خانه من آمد اما

با زور مرا مورد آزار و اذیت قرار داده و طلا و جواهراتم را به سرقت برد. او از من فیلم سیاه تهیه کرد و بعد هم گفت اگر شکایت کنم تصاویر و فیلم‌ها را منتشر می‌کند و من تنها قربانی‌اش نبوده‌ام و دختران و زنان جوان زیادی قربانی او شده‌اند.

با شکایت زن جوان به‌نام فرنگیس، تحقیقات به دستور بازپرس ویژه سرقت آغاز شد. در حالی که تحقیقات در این خصوص ادامه داشت مأموران موفق شدند رد اردشیر را در خانه‌ای در حال ساخت در پایتخت بزنند.

با هماهنگی‌های قضایی مأموران راهی ساختمان نیمه ساز شده و اردشیر را بازداشت کردند.

اردشیر در تحقیقات منکر آزارو اذیت شد و گفت: من به درخواست فرنگیس به خانه‌اش رفتم و هیچ آزارو اذیتی در کار نبود. اما با دیدن وسایل خانه‌اش و وضع مالی خوبی که داشت وسوسه سرقت به جانم افتاد.

او ادامه داد: با تهدید طلا و جواهراتش را سرقت کردم و به شهرستان محل زندگی‌ام رفتم. طلاها را ۱۱ میلیون تومان فروختم و بدهی‌هایم را پرداخت کردم. من با هیچ زن و دختر دیگری تا حالا رابطه نداشته‌ام و اصلاً فیلم و عکسی هم تهیه نکردم فقط اینها را گفتم تا او بترسد و شکایت نکند.

به‌دنبال اعتراف مرد جوان، بازپرس دادسرای ویژه سرقت دستور ادامه تحقیقات در این خصوص را صادر کرد.

# قاتل شوهر خواهر از مجازات مرگ‌رهایی یافت

**گروه حوادث/** وکیل دادگستری که به‌دنبال سوء ظن به شوهر خواهرش وی را به قتل رسانده و به قصاص محکوم شده بود با رضایت اولیای دم از یک قذمی چوبه دار به زندگی برگشت. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از سال ۹۵ به‌دنبال ناپدید شدن مرموز مرد جوانی شروع شد که از رستان به خانه برادرش به کرج آمده بود.

در حالی که تحقیقات برای یافتن مرد جوان ادامه داشت، کارآگاهان جنایی جسد این مرد جوان را در حالی که با شلیک چند گلوله به قتل رسیده بود در خودروبی حوالی جاده چالوس پیدا کردند. خیلی زود با تشکیل تیم ویژه‌ای تحقیقات پلیسی برای کشف این جنایت مرموز در دستور کار کارآگاهان جنایی استان البرز قرار گرفت. با کنترل آخرین تماس‌های مقتول مشخص شد وی با برادرزنش در تماس بوده است.

بدین ترتیب این مرد که وکیل دادگستری بود تحت بازجویی قرار گرفت و بعد از مدتی به قتل شوهر خواهرش اعتراف کرد. مرد جوان را در حالی که به شلیک چند گلوله مدتی قبل به رفتار وی سوء ظن پیدا کرده و فکر می‌کردم او برای همسرم مزاحمت ایجاد کرده است به همین خاطر وی را از محل زندگی‌اش به کرج کشاندم و بعد در خانه او را با خوراندن غذای مسموم بیهوش کردم. سپس او را با خودرو به حوالی جاده چالوس بردم و با

# سرقت ۸۰۰ میلیونی دوزن بلاگر

**گروه حوادث/** دوزن جوان با معرفی خود به‌عنوان تبلیغ کننده‌های اینستاگرامی پس از بیهوش کردن مرد جواهرساز ۸۰۰ میلیون تومان طلا و جواهرات وی را سرقت کردند.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، حدود سه ماه قبل پرونده‌ای به کلانتری ۱۵۳ شهرک ولی عصر فرستاده شد مبنی بر اینکه خانمی ۲۶ ساله به همراه دوستش از مرد جواهرسازی در فرمانیه سرقت کرده‌اند. شاکی گفت: این دوزن به بهانه تبلیغ جواهرسازی من در صفحه اینستاگرام شان با من طرح دوستی ریختند. روز حادثه وقتی سوار خودروام شدند با خوراندن آمپوه‌ای که حاوی مقدار زیادی داروی خواب آور بود مرا بیهوش کرده و با برداشتن کلید کارگاه جواهر سازی‌ما واقع در شهرک ولی عصر اقدام به سرقت طلا و جواهرات موجود در کارگاه به میزان ۸۰۰

## دستگیری ۳ خانم دکترقلابی

**گروه حوادث/** سه زن جوان که با راه‌اندازی یک مطب لیزر درمانی در شرق تهران اقدام به انجام کارهای زیبایی می‌کردند از سوی پلیس دستگیر شدند.

سرهنگ «نادر مرادی»، معاون نظارت بر اماکن عمومی پلیس امنیت پایتخت از پلمب یک مطب پزشکی غیرمجاز در شرق تهران خبر داد و گفت: این سه زن بدون مجوز، مدرک و صلاحیت پزشکی در این مطب اقدام به لیزر درمانی و انجام برخی عمل‌های زیبایی پرخطر می‌کردند.

وی در تشریح این خبر اظهار داشت: اواخر ماه گذشته زن جوانی با مراجعه به پلیس امنیت عمومی اظهار داشت،

## بخشش اسیدپاش به خاطر رضای خدا

**گروه حوادث/** پسر جوان که به خاطر یک فندک گرانقیمت دست به اسیدپاشی زده بود، با رضایت شاکی، از مجازات قصاص رهایی یافت.به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»،

شامگاه ۶ مرداد امسال، گزارش اسیدپاشی در خانه‌ای حوالی خیابان وحدت اسلامی مأموران را راهی زیر زمین خانه قدیمی کرد. نخستین بررسی‌ها نشان می‌داد پسر جوانی از ناحیه دست و صورت و چشم با اسید سوخته است. عامل این اسیدپاشی نیز که پسر جوانی به‌نام بابک بود در همان محل حادثه به دستور بازپرس غلامی از شعبه سوم دادسرای امور جنایی پایتخت بازداشت شد. بابک در تحقیقات اولیه گفت: خانه عمه‌ام در طبقه سوم این ساختمان است و وقتی به خانه عمه‌ام می‌آمدم با شاهرخ آشنا شدم او غیر از کار تعمیرات، اینجا را تبدیل به پاتوق کرده بود و برای مصرف مواد مخدر به آنجا

### دستگیری مردان ۲ هزار میلیاردی

**گروه حوادث/** دو اخلاگر نظام بانکی که به بهانه واردات کالا، اقدام به دریافت تسهیلات ارزی کرده و به‌جای آن ساخت و ساز می‌کردند با تلاش مأموران پلیس مبارزه با جرایم اقتصادی پایتخت بازداشت شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چندی پیش پلیس مبارزه با جرایم اقتصادی پایتخت در جریان اقدامات مجرمانه دو مرد جوان قرار گرفتند. این متهمان به‌صورت جداگانه از سال ۹۰ با تشکیل سه شرکت و ارائه پیش فاکتورهای جعلی از بانک‌های مختلف در کشور اقدام به گرفتن تسهیلات ارزی کرده اما آن را پرداخت نکرد و به‌جای واردات کالا، آنها با پول‌هایی که از این راه به‌دست آورده شروع به ساخت و ساز

اسلحه‌ای که از قبل تهیه کرده بودم چند گلوله به او شلیک کردم. اسلحه را به داخل رودخانه انداختم و جسد را همانجا رها کردم. به‌دنبال اعتراف این متهم، او به جرم قتل عمد بازداشت و پس از محاکمه در دادگاه کیفری استان البرز با توجه به تقاضای اولیای دم وی به قصاص نفس محکوم شد. با تأیید این حکم در دیوان عالی کشور و درحالی‌که خانواده مقتول بر اجرای حکم اصرار داشتند سرانجام پس از ۴ سال متهم

توانست با جلب رضایت اولیای دم و پرداخت دیه درخواستی خانواده مقتول رضایت آنها را جلب و از مجازات مرگ رهایی یابد. قاضی نریمانی رئیس شعبه ششم اجرای احکام دادگستری کرج درباره این پرونده گفت: یکی از مهم‌ترین دلایل وقوع قتل‌ها تصمیمات عجولانه و نتوانی در کنترل خشم است. در این پرونده با اینکه متهم خودش از افراد تحصیل‌کرده و حقوقدان است و به نتیجه کار و مجازاتی که در انتظارش است به خوبی

آگاه است اما باز هم دست به چنین کاری می‌زند. در حالی که می‌توانست از طریق قانونی موضوع را پیگیری کند و به چنین سرنوشتی دچار نشود. مهارت کنترل خشم بسیار اهمیت دارد همچنین باید در روابط کاری و خانوادگی سعی شود برخی خط قرمزها رعایت شود چراکه رعایت برخی اصول اخلاقی و رفتاری از وقوع بسیاری از جرایم پیشگیری می‌کند.

# محاکمه متهمان به قتل یک زندانی

**گروه حوادث/** دادگاه متهمان قتل مرد زندانی که هنگام انتقال از دادسرا به زندان از سوی ۳ سرباز ویکی از کارمندان زندان مورد ضرب و شتم قرار گرفته و پس از ساعتی فوت کرده بود برای دومین بار برگزار شد.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از اوایل دی سال ۹۷ با مرگ مرد ۵۰ ساله‌ای به‌نام داریوش که به جرم کلاهبرداری تلفنی در زندان فشاویه بود آغاز شد. این متهم در راه انتقال از دادسرا به زندان شهری قصد فرار داشت که پس از دستگیری از سوی ۳ سرباز و مأمور بدرقاش مورد ضرب و شتم قرار گرفت و ساعتی بعد هم در بهداری زندان به‌خاطر شدت جراحات وارده و ضربه مغزی فوت کرد.

به این ترتیب چهار متهم مرتبط با مرگ او بازداشت شدند و ۳ سرباز به اتهام مشارکت در قتل عمد و کارمند زندان به اتهام معاونت در قتل در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شدند.

#### نخستین جلسه دادگاه

در ابتدای جلسه اولیای دم در جایگاه ویژه ایستادند و برای متهمان درخواست قصاص کردند. آنها گفتند حاضریم تفاضل دیه را بپردازیم تا قاتلان داریوش قصاص شوند.سپس متهمان یک به یک در جایگاه ویژه ایستادند و به تشریح جزئیات ماجرا پرداختند.

در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و با توجه به اینکه کارشناسان پزشکی قانونی در گزارشی اعلام کرده بودند داریوش به‌خاطر دوندگی سریع و زیاد ۱۰ درصد در فوتش مقصر بوده است هر ۴ متهم را به پرداخت یک چهارم دیه محکوم کردند. اما این حکم در دیوان عالی کشور تأیید نشد و قضات دیوان عالی کشور اعلام کردند لازم است میزان تقصیر هریک از متهمان مشخص شود ضمن اینکه ۱۰ درصد تقصیر قربانی نیز در حکم بیاید.

#### دومین جلسه دادگاه

در ابتدای این جلسه اولیای دم یکبار دیگر درخواست قصاص کردند. سپس متهمان که با قرار وثیقه آزاد بودند به دفاع از خودشان پرداختند. در ادامه یاسر – کارمند زندان – به جایگاه رفت و گفت: من به سربازان دستور ضرب و شتم متهم را نداده بودم. چون او به سربازها فحش ناموسی داد آنها خودشان با مشت و لگد او را کتک زدند. با پایان دفاعیات متهمان قضات وارد شور شدند تا رای را صادر کنند.

### تلاش ۹ ساعته برای یافتن صیالان گمشده



منطقه(دریابانی و ندسا) در ۴۵ مایلی جنوب کیش قایق شناسایی و همه سرنشینان آن در سلامت کامل به آغوش خانواده بازگشتند. بررسی کارشناسان نشان داد که این قایق به‌دلیل نقص فنی درمونوروجریان آب به چندین مایل دورتر از صیدگاه رانده شده بود.